

"رویای شفاف"

مترجم:

F_S_S12

ویراستار:

Lack Wood

کلیر:

Lilac

تایپسٹ:

یول



کاری از تیم:

Flaxen Guys



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys



@FlaxenGuys



LUCID DREAM

نویسنده / MasaRabbit طراح / Kirty

رویای نوح



تمام تلاشم
رو کردم که ازش
مراقبت کنم.

هر کاری که
تونستم انجام دادم که
بتونم مراقب کارای
مدرسه‌م باشم.

از اون موقع
تمام تلاشم رو کردم که
کامل به نظر برسم...

شاید یه جورایی
عجیب به نظر برسه که
خودم اینو بگم، ولی

فکر می‌کردم
خیلی خوب انجامش
دادم.

من بدون هیچ
سوالی شرایط رو
قبول کردم.

ولی درست
همون موقع تو به اینجا
انتقالی گرفتی

شرایطم تو خونه
زیاد خوب نبود ولی،
مطمئن می‌شدم لباس و
غذای خوب تهیه می‌کنم.

البته، این برای
جیهه راحت نیست.

چون اون هیچ پدر
و مادری نداره... و نمی‌خواد
این حرفارو بشنوه.

ولی چرا من...
تو اولین روز برای
اولین بار...

چرا دلم خواست جیهه
لباس قدیمی منو بپوشه؟

چرا تصمیم گرفتم
چیزی بپوشه که معمولاً
انتخاب نمی‌کنم؟

چرا؟
خب حتماً...

اگه این لباسارو
نمی‌دادی به جیهه بپوشه،
برام غیر ممکن بود که
پیداش کنم.

واقعاً،
برای تو...

نمی‌دونم
چطوری ازت تشکر کنم
که کافی باشه.

اگه چیزی
باشه که بتونم
انجام بدم...



توانایی منو
از بقیه مخفی کن.

این تنها
چیزی که ازت
می‌خوام.

نمی‌خوام
همه‌ی دنیا ازت
خبردار شن.



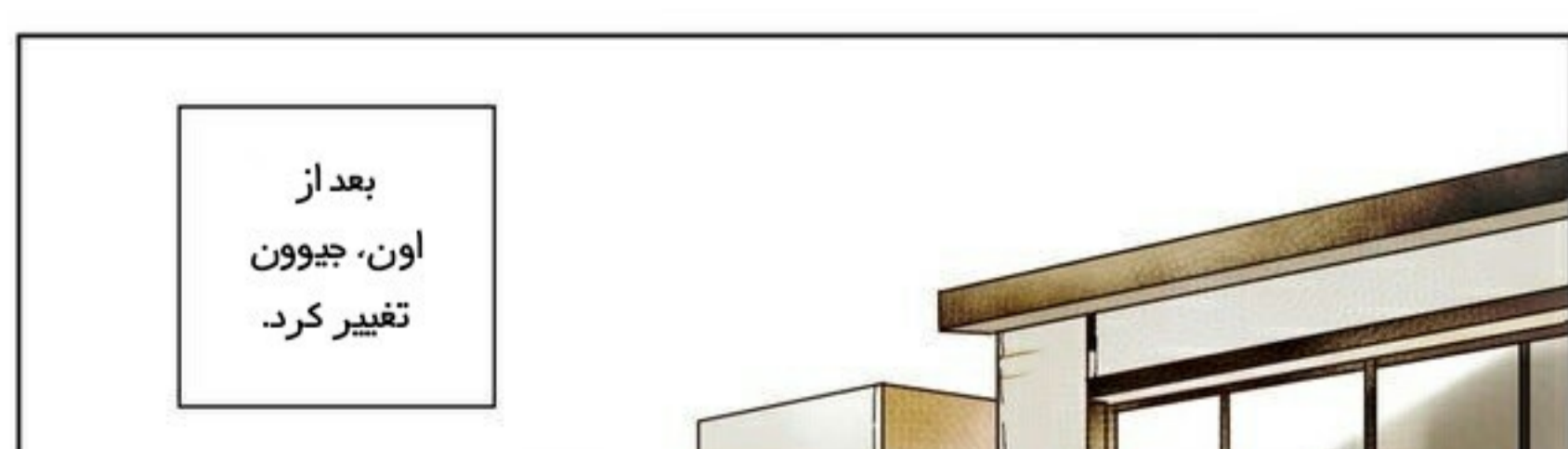
...باشه...



ممنونم که
نجاتمون دادی. حتی ما
رو رسوندی خونه.

هیچ وقت یادم
نمیره چه لطفی در
حقمون کردی...





خب به جای این که
بگم اون عوض شده...

یه تغییر کوچیک
بود که از نظر من...

یه تغییر مهم و
قابل توجه بود.

از بیرون که بهش
نگاه کنی، عوض نشده،
ولی بار مسئولیتش
کمترا شده.

اون یکم به سمت جیوون
قدیمی‌ای که بوده رفته.

البته. آدما همیشه
در حال تغییرن.

تنها کسی که
تغییر نکرده منم.

ولی مفهوم تغییر کردن...
تغییر کردن چیزیه که انسان‌ها
رو تعریف میکنه.

مهم نیست جیوون چقدر
تغییر کنه، جیوون همیشه جیوونه.

پاشو بریم
آشغالا رو بذاریم
بیرون.



آه، ببخشید.
بیدارت کردم؟



نه،
مشکلی نیست.
بیا بریم.



آخر سر،



اونی که در
اصل فکر کردی جیههس
کی بود؟

شاید... به
موجود دیگره‌ای هم
به اسم "جیهه" اتفافی
اونجا بوده.

شاید فکر
می‌کرد من دنبال
اون می‌گردم.

.....
و اون‌ی که
می‌خواست جیهه رو
بیرون ببره کی بود؟

فکر می‌کنم... من فقط
مرده‌ها رو می‌بینم، واقعاً نمی‌دونم
اونا چه فکری می‌کنن.

فکر نمی‌کنم
معنی دیگره‌ای داشته
باشه.

جیهه هم باور
کرده که همه‌ش یه
خواب بوده.

همم...

واقعاً می‌تونست
اتفافی باشه.

نمی‌تونه معنی
دیگره‌ای داشته باشه.



شخصاً. برای
این تئوری به یه احتمال
دیگه فکر می کردم.

ولی فکر نمی کنم لازم باشه به
جیوون بگم و در مورد هر چیزی
نگرانم کنم.



شاید.

وقتی من به
اون موجودات نگاه
می کردم.

اونا هم به
من نگاه می کردن.

ممکنه توانایی من در انتقال
چیزی از اونجا به دنیای واقعی
رو فهمیده باشن.



اگه فهمیده باشن که من
داشتم ناامیدانه دنبال جیهه
می گشتم که به دنیای
واقعی برش گردونم.

ممکنه فکر کرده باشن
می تونن "کسی" باشن که به
جای اون فرار می کنه.

داری می‌گی خیلی کنکشن می‌دم؟

مطمئنم احتمالش هست.

مهم نیست
چی درسته، این چیزا
دیگه به درد جیوون
نمی‌خوره.



ولی...

فکرشو بکن.
این احساسات با منن
که بازیم بدن.

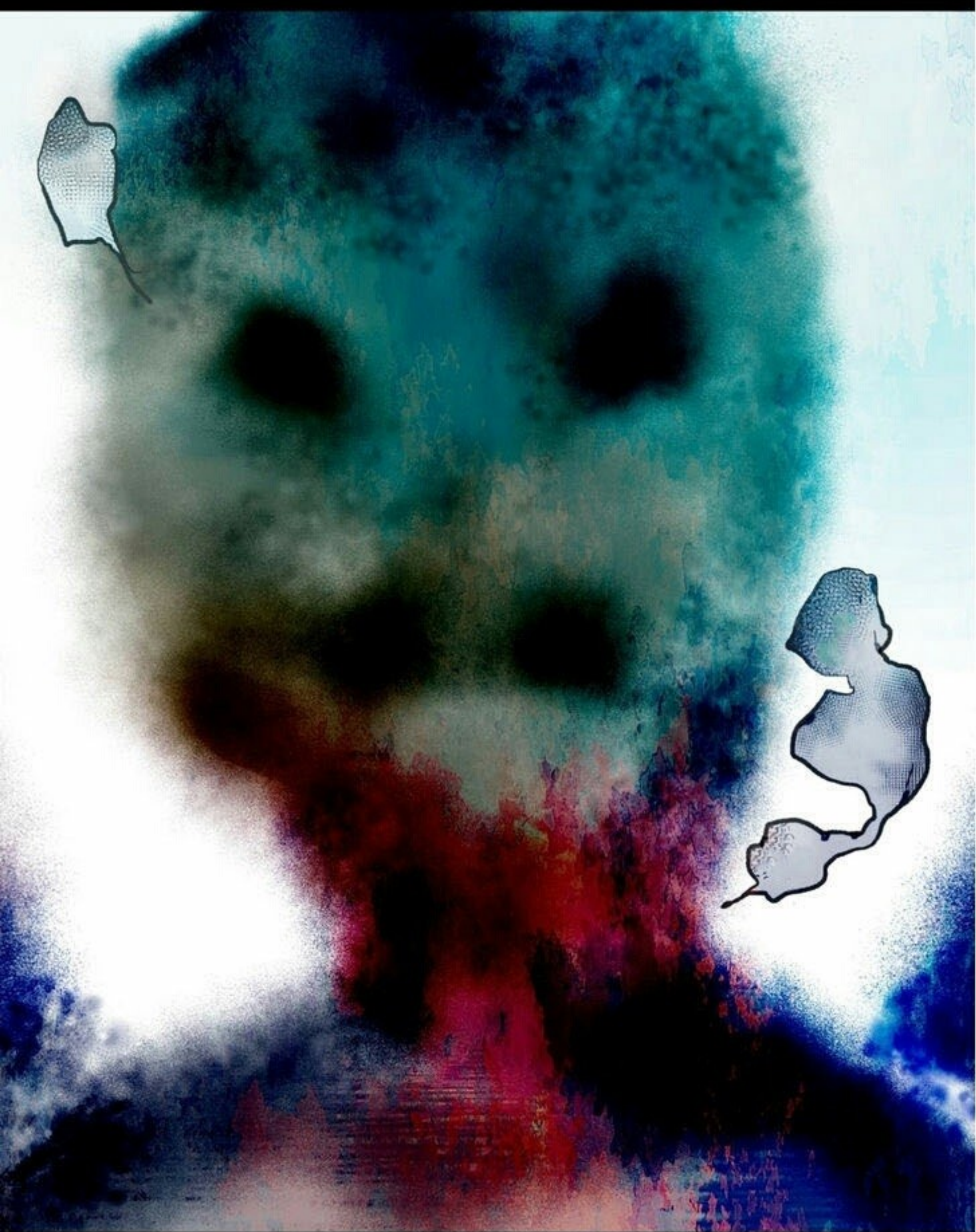
لحظه‌ای که
من جیهه روز از رویام
بیرون آوردم...



حس کردم
یه چیزی شنیدم.

خیلی واضح...






تو رویای من...
این جاده



چیزای پنهان شده‌ی
زیادی هست که من هنوز
کشفشون نکردم.



من درست اینجا رو.



این لحظه رو،
می‌شناسم.

همه‌ش یه رویاست...

LUCID
DREAM

پایان

